

گزارش

۴ گروه دانشجویی به روحانی نامه نوشتند

برسد به دست آقای رئیس جمهور

• شرق: چهار گروه دانشجویی اعم از دانشجویان دانشگاه شیراز، دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی شیراز، دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز و جمعی از دانشجویان استعدادهای درخشان دانشگاه تهران روز گذشته نامه‌هایی را خطاب به دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور فرستادند. در نامه دانشجویان شیرازی آمده‌است «متأسفانه چندین ماه پس از استقرار دولت تدبیر و امید سه دانشگاه بزرگ شیراز و کشور (صنعتی، علوم‌پزشکی و شیراز) نه از تدبیر دولت شما پهرای گرفته‌اند و نه نشانه‌ای از آغاز بهار اعتدال و نشاط در روزهای یخ‌زده زمستان به درازا کشیده‌شان رخ می‌نماید» در این نامه تأکید شده است: «در این سه دانشگاه مهم کشور هنوز مدیران تدریوی بر سر کارند که فضای دانشگاه را با پادگان یکی می‌دانند. علیرغم در خواست مکرر و متعدد دانشجویان و اساتید از وزرای محترم علوم و بهداشت (که مدارک آن به پیوست است) روال همان رویه نادرست و به دور از اعتدال چند سال گذشته می‌باشد. اخبار ضد و نقیض حاکی از تقدیر وزیر محترم بهداشت از ریاست دانشگاه علوم‌پزشکی شیراز نیز، بر نگرانی جامعه دانشگاهی فارس از ادامه این فضای سنگین که بر دانشگاه سایه افکنده، می‌افزاید، دانشجویان شیرازی همچنین تأکید کرده‌اند: «هانگوانه که به استحضار رسید سه دانشگاه بزرگ شیراز، علوم‌پزشکی شیراز و صنعتی شیراز همچنان در مسند ریاست خود افرای را می‌بینند که نه تنها بویی از اعتدال و تدبیر نبرده و با تظاهر به همسویی با دولت اعتدال، اهداف شخصی خود را دنبال می‌کنند بلکه در برخی موارد دانشگاه را پایگاه یک حزب خاص ساخته و با تکیه بر مراکز قدرت خارج از دولت سودای تمدید دوره مدیریت خود را دارند، غافل از اینکه، جامعه دانشگاهی فارس، هنوز حمایت بی‌چون و چرای این مدیران معلوم الحال را از تندبای سیاست‌های ویران کننده دولت گذشته بر بستر علم و فرهنگ دانشگاه فراموش نکرده است. لذا ما جمعی از فعالان دانشگاهی، اجتماعی، مدنی، اصلاح‌طلب و اعضای ستاد جوانان و سلامت حضرتعالی در استان فارس خواستار تغییر مدیریت دانشگاهها و در رأس آنها سه دانشگاه شیراز، علوم‌پزشکی و صنعتی شیراز، هستیم تا افرادی صالح، متدین، شایسته، عالم، وفادار به منشور دولت تدبیر و امید و مطابق با معیارهایی که حضرتعالی در شعارهای انتخاباتی خود به‌طور صریح و شفاف تبیین فرموده‌اید، در رأس امور قرار بگیرند و توسعه علمی کشور شکل متوازن‌تری به خود گرفته و فضایی مناسب و با نشاط برای رشد و بالندگی جوانان شایسته این کشور، فراهم شود» از سوی دیگر جمعی از داوطلبان استعداد درخشان دکتری دانشگاه تهران با اشاره به مشکلات ایجادشده برای ادامه تحصیل خود عنوان کرده‌اند: «ما دانشجویان که از طریق آیین‌نامه استعداد درخشان در مقطع دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شده بودیم و مراحل بررسی سوابق تحصیلی، مصاحبه و رقابت نفس‌گیر با سایر داوطلبان را در اردیبهشت و خرداد سال جاری طی نموده و حاضر رتبه اول دکتری دانشگاه تهران شده و تایید اساتید و نیز دانشکده‌های این دانشگاه را نیز به‌عنوان برترین‌های علمی به همراه دانشتیم، متأسفانه به دلیل برخی بی‌قانونی‌ها، کج سلیقه‌ها و بی‌نظمی‌های آموزشی در یک روز مانده به آغاز کلاس‌ها به‌جای ثبت‌نام از ادامه تحصیل محروم مانده‌ایم، این دانشجویان همچنین تأکید کرده‌اند: «پس از این واقعه وقتی علت را از اداره آموزش دانشگاه جویا شدیم آنها به مصوبه داخلی مراد ماه دانشگاه تهران مبنی بر عدم پذیرش دانشجویانی که دوره کارشناسی ارشد خود را در طی پنج یا شش ترم به پایان رسانده‌اند استناد کردند، مصوبه‌ای که دو ماه بعد از انجام مصاحبه علمی و پذیرش ما از سوی دانشکده‌های دانشگاه تهران تصویب شده بود و متأسفانه و بر خلاف مقررات جاری کشور عطف به ماسبق گردید و البته در این بین دو اصل قانونی دیگر از جمله مرجع صلاحیت‌دار، نبوده‌ن هیات‌ریسه‌هایستاد برای تصویب قانونی آموزشی و نیز اصل حق مکنتبه به صورت آشکاری توسط دانشگاه نقض گردید. جالب اینجاست که دیگر دانشگاه‌های معتبر کشور دانشجویانی را درست از همین طریق (آیین‌نامه استعداد‌های درخشان برای ورود به مقطع دکتری) پذیرفته و ثبت‌نام کرده‌اند که مقطع ارشد خود را در پنج یا شش ترم به پایان رسانده‌اند، چراکه در همه جای دنیا و بیشتر دانشگاه‌های کشور مالک ارزایی استعداد درخشان و نخبگی نه زود تمام‌کردن تحصیل بلکه سوابق علمی، پژوهشی و کارنامه افراد است، این دانشجویان در ادامه ابراز امیدواری کرده‌اند، که دولت تدبیر و امید «امید خازنه ترفته دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه تهران و حق مسلم آنها را با استناد به قوانین مصرح کشور (و نه به صورت فراقانونی) به آنها برگرداند».

تک خبر

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی:

آمار مصرف و ورود مشروبات الکلی در کشور به روز نیست

• ایسنا: رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ضمن انتقاد از اینکه آمار مصرف‌کنندگان و میزان ورود مشروبات الکلی در کشور به روز نیست، گفت: بر اساس آمار اعلام‌شده توسط ناجا در سال ۹۰، میزان ورود مشروبات الکلی به کشور ۸۰میلیون لیتر بوده که ۲۰میلیون لیتر آن کشف شده‌است، اما پس از آن آماری از میزان ورود مشروبات الکلی به کشور اعلام نشد. سیدحسن موسوی چک‌همچنین با بیان اینکه در دو سال گذشته توسط ناجا اعلام شد که ۲۰۰هزار فرد مبتلا به الکلیسم در کشور وجود دارد، اظهار کرد: در این مورد نیز آمار میزان مصرف‌کنندگان الکل در کشور به‌روز نشده و در حال حاضر آمار دقیقی از ورود مشروبات الکلی، میزان کشفیات و تعداد مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی در کشور اعلام نشده است.

سیدمحمد ۳۳ساله است. با موهایی جوگندمی، صورتی بسیار لاغر و استخوان‌های بیرون زده، می‌گوید: «۱۰ سال مصرف موادمخدر را داشتم. دوسال است که با مصرف متادون پیشگیری می‌کنم. من با اینکه کارت «متادون» داشتم، توسط گشت شهرداری من را گرفتند. حتی از ما تست گرفته نشد درحالی‌که قرار بود تست گرفته شود و تحویل «شفق» شدم.»

۴ چه زمانی شمارا گرفتند؟

دو ماه پیش، ۴۷ روز آنجا بودم. در میدان شوش داشتم می‌آسدم به همین مرکز گذری در مان اعتیاد که پناهگاه ماست. نیروی انتظامی من را دستگیر کرد، کارت «متادون» خود را نشان دادم، مامور گفت بیا برویم آژالت می‌کنیم، مشکلی ندارد. گفتم تست بگیریم من مشکلی ندارم، اما شب تا صبح ما را نگه داشتند و بعد ما را به شفق بردند. من حتی گفتم پول کیت تست اعتیاد را از جیب خود می‌دهم تا از ما تست بگیرند و اگر موردی نداشتیم ما را آزاد کنند، اما این کار را نکردند. من به کمپ رفتم، وقتی برگشتم وزنم چندین کیلو اضافه بود یا حتی وقتی مواد را مصرف می‌کردم وزنم و ظاهرم خیلی بهتر از زمانی بود که از شفق آزاد شدم. من هر سری که ترک می‌کردم سیستم بدن‌ما برمی‌گشت وزن و ظاهرم درست می‌شد، اما الان این ظاهر آدمی است که تازه از شفق آزاد شده است. بچه‌ها تعجب می‌کنند به من می‌گویند مصرفت را خیلی بالا بردی؟ من می‌گویم من تازه از «شفق» آمده‌ام دیگر خودتان متوجه شوید چه وضعیت غذایی افتضاحی در آنجا حاکم بود.

تعدادتان در «شفق» چقدر بود؟ آیا کف‌خواب هم داشتی؟

سه، چهار روز در هفته، هر اتاق ۲۰، ۳۰ نفر کف‌خواب داشت. در هفته تنها دوروز بچه‌ها روی تخت می‌خوابیدند. **۴ شفق، سوله‌است؟** یک سوله یک‌تیکه است با ۱۴ اتاق روبه‌روی هم. هر اتاق ۵۰ تخت دارد. کف هر اتاق هم ۲۰، ۳۰ نفر کف‌خواب هستند هر مسنفر دوتا پتو، یکی زیر و یکی رو با وجود سرمای آنجا.

۴ وسایل گرمایشی ندارد؟

نه سیستم گرمایشی ندارد. اصلا موتورخانه کار نمی‌کند. من بیرون که آمدم ۲۰، ۳۰هزار تومان هزینه دوا و دکترم شدد. بابت سرماخوردگی و آب سرد. اعتراض که می‌کردیم به ما می‌گفتند همینی که هست.

۴ یعنی برای استحمام آب گرم نداشتی؟

نه نداشتیم می‌گفتند همینی که هست با آب سرد.

۴ آنجا فقط سه وعده غذایی می‌دادند؟ میان‌وعده یا میوه‌چطور؟

نه اصلا میوه را که باید در خواب می‌دیدیم. تازه بعضی مواقع نان هم‌راه غذا را قطع می‌کردند می‌گفتند نیامده، بعضی مواقع مصاحبه جایی تلخ بود می‌گفتند قند و شکر نیست. وضعیت نظافت هم افتضاح بود. اصلا چیزی به‌نام مایع دستشویی، تایید و شامپو نداشتیم. یادم‌رفته بود.

۴ آنجا آیا مورد ضرب‌و‌شتم و تنبیه بدنی هم قرار می‌گرفتید؟

بله **۴ چرا شما را مورد ضرب‌و‌شتم قرار دادند؟** این کار را می‌کردند که وحشت ایجاد کنند. پیرمردی برای رفتن به دستشویی مشکل داشت، نمی‌توانست خودش را نگه دارد، سبایر تکرار کرد و به‌همین خاطر پیرمرد ۷۰ساله را به‌شدت کتک زدند.

۴ وضعیت استحمام و استفاده از سرویس بهداشتی چطور بود؟ آیا تعداد حمام و سرویس بهداشتی کافی بود؟

استحمام و استفاده از سرویس بهداشتی آنجا ساعت داشت؛ مثلا پشت بلندگوی اعلام می‌کردند برای ۲۰ دقیقه تردد باز است. برای ۸۰نفر پنج تا سرویس بهداشتی و اگر تردد طول می‌کشید با لوله سبز کتک می‌زدند، هر کسی که جا می‌ماند را کتک می‌زدند.

۴ چندبار در روز زنگ سرویس بهداشتی را می‌زدند؟ سبایر؛ یکبار قبل از صبحانه، قبل از ناهار و بعد از شام. **۴ آنجا چه تعداد نیرو مستقر بود؟ نیروی انتظامی یا…؟**

آنجا نیروی انتظامی نیست، دست‌اندر کاران خودشان بودند. بعضی‌هایشان خودشان مصرف می‌کردند. خود من دیدم آقای «ا» که مسوول آنجا بود مصرف می‌کرد. من افرادی بودم، پاپ‌خودش را نشان داد و چنین آزاری را در دوره ترک به ما می‌دادند.

۴ به چه دلیلی شما را به افرادی بردند؟

برای همون تنبیهی که شده بودم. **۴ بازرس‌هایی که آمدند از کدام ارگان‌ها بودند؟** از قوه‌قضاییه و وزارت بهداشت اما بچه‌ها را می‌ترساندند تا حرفی نزنند.

۴ آیا آنجا مددکار و پزشک مستقر بود؟ مددکار آقای… بود، که الان چندین‌سال است آنجا مستقر است و پولش را از پیمانکاری می‌گرفت و هیچ کاری نمی‌کرد.

۴ یعنی خدمات مددکاری به شما ارایه نمی‌شد؟ اصلا، به‌همچ‌عنوان، من زندان رفتم و تجربه خدمات مددکاری را دارم، اما آنجا چیزی به‌نام مددکاری وجود نداشت.

۴ معنادانی که آنجا بودند خانواده‌ها‌یشان در جریان قرار می‌گرفتند؟ ملاقاتی داشتند؟

مسوولان آنجا می‌آمدند و شمار‌ها را جمع‌آوری می‌کردند و می‌گفتند تماس می‌گیریم، اما این کار را نکردند.

۴ آنهایی که «اج‌آی‌وی» مثبت بودند یا هپاتیت‌دار شدند آیا خدمات درمانی دریافت می‌کردند؟

اصلا توجیه نمی‌شد. مثلا کسی بود که مدارک پزشکی داشت و زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی بود و دارو

جامعه

روایت معتادان از کمپ «شفق»

اعتراض می‌کردیم؛ می‌گفتند اینجا اردوگاه اجباری است

فاطمه جمال‌پور

«۵۲ نفر از معتادانی که به شفق آورده شدند اسهال خونی گرفتند و مردند»، «اترن به بچه‌ها می‌گفت اگر برابم برقصید داروی سرماخوردگی می‌گیرید»، «بایم را از خط زرد آن طرف‌تر گذاشتیم و تا سرحد مرگ با لوله سبز کتک خوردیم» و… اینها همه روایت‌های معنادانی است که تجربه رفتن به اردوگاه ترک اعتیاد اجباری «شفق» را از سر گذرانده‌اند. روبه‌رویم می‌نشینند و می‌گویند و می‌گویند. شاید برای ساعت‌ها حرف دارند؛ روایت‌های تکان‌دهنده‌ای از شفق، از نگاه و سیستمی که معتاد را شهروند نمی‌داند یا حتی انسان؛ روایت‌هایی آنقدر تکان‌دهنده که گاه مجبور می‌کند مصاحبه را قطع کنی و بروی قدم بزنی یا چند نفس عمیق بکشی. اردوگاه اجباری درمان اعتیاد «شفق» یا به قول مسوولان «کمپ شفق» اردوگاهی است که بر اساس اصلحیه‌قانون درمان اعتیاد مصوب مجمع تشخیص مصلحت‌نظام در سال ۸۹ برای درمان معتادان متجاهر یعنی معتادانی که از ظاهرشان می‌توان پی به اعتیادشان برد ایجاد شد. قرار بود این اردوگاه‌زیر نظر شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر ایجاد شود و وزارت بهداشت، ستاد مبارزه با موادمخدر، شهرداری تهران و… در ایجاد و تجهیز و ساماندهی معتادان در این مراکز مشارکت داشته باشند اما هیچ‌کدام از این اتفاق‌ها نیفتاد و در عمل شفق به جایی‌رای نگهداری معتادان برای مدتی کوتاه بدون رعایت کمترین حقوق انسانی‌شان بدل شد. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوهایی ما با معتادانی است که از «شفق» بازگشته‌اند یا روایت‌هایی از مرگ، گرسنگی، ضرب‌و‌شتم و…

می‌گرفت؛ «اج‌آی‌وی» مثبت و هپاتیتی بود. وقتی گفت مدارکش را باره کردند. اهمیت نمی‌دادند. **۴ اسهال خونی چطور؟ آیا در مدتی که آنجا بودی کسی مبتلا شده بود؟** آن سالی که اسهال خونی شایع شد، من شفق بودم. ۴۸نفر مردند. اول پنج‌نفر در «شفق» مردند و بعد مابقی را به کمرد انتقال دادند و آنجا مردند. زمان طرح اجلاس سران بود که همه را می‌گرفتند. **۴ پس زمان طرح اجلاس هم جمع‌آوری شدی؟** بله **۴ آن موقع ظرفیت‌ها چطور بود؟** افتضاح بود، آمار کل تخت «شفق» ۵۲۰نفر است. هزارو ۳۰۰نفر آمارمان در آن زمان بود یعنی داخل راهرو و دستشویی هم معتادان می‌خوابیدند. هر اتاقی ۶۰ نفر کف‌خواب داشت و همین باعث شد این بیماری شایع شود و یک‌نفر که اسهال خونی داشت باعث شد ۵۳ نفر بمیرند. **۴ چرا آنها را به کمرد انتقال دادند؟** چون بازرس می‌آمد و می‌خواستند سروته قضیه را هم بیاورند.

۴ تعداد فوت‌شدگان در «شفق» چطور بود؟ آیا زمانی که شفق بودی کسی فوت شد جز ماجرای اسهال خونی؟

بله پیرمردی بود که به‌خاطر آب سرد حمام و اینها، بیمار شدد و اهمیت ندادند و فوت شد و یکی هم بود که سیستم گوارشش مشکل داشت.

۴ اینهایی که فوت می‌کنند جنازه‌شان را تحویل خانواده‌ی می‌هند؟

خیر، در ابتدا می‌فرستند پزشکی‌قانونی و بر گه فوت صادر می‌کنند. علت فوت را ترسیدن موادمخدر عنوان می‌کنند، در حالی‌که اصلا ربطی ندارد، چون معتاد پس از سه، چهارروز پاک می‌شود و بعد از ۳۷روز دلیلی ندارد به‌خاطر ترسیدن مواد مخدر بمیرد. مسوول مرکز گذری می‌گوید ماموران چشم سبروس را تر کانه‌اند. «شفق» هم رفته است. سبروس وارد می‌شود با چشمی به رنگ خون، اطراف چشمش کبود و ورم کرده و زخم‌هاست. هول می‌کنم به‌محض دیدنش.

۴ می‌پرسم چشم‌ت چه شده‌است؟

ماموران زدند. **۴ نیروی انتظامی؟** آره.

۴ برای اینکه می‌خواستند به شفق بروی؟

آره، اجباری است دیگر. می‌گیرند و می‌برند و نگه می‌دارند. ما معتادان مریضیم، عوض اینکه از ما حمایت کنند با ما بدرفتاری می‌کنند.

۴ پس چرا رفتی و اینجا‌ی؟

من را از هشت صبح بردند تا هشت شب. بدون نان و آب و غذا. بعد از رها کردن، نمی‌دام چ‌را پیرمرد واد طول می‌کشید با لوله سبز کتک می‌زدند، هر کسی که جا می‌ماند را کتک می‌زدند.

معاون ستاد مبارزه با موادمخدر:

قبول داریم «شفق» استاندارد نیست

فارس: معاون ستاد مبارزه با موادمخدر گفت: مرکز «شفق» در تهران نیز باید فقط مرکز غربالگری می‌شد اما اکنون مرکز نگهداری شده و نیست. اینکه چرا ما در تهران این مشکلات را داریم به‌دلیل پیچیدگی ماهیت خود استان است. ما اسال سمعیلار دتومان هزینه کردیم، این بیلانگ ران است که استان ویزهای داریم. او با اشاره به ناتوانی شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر در انجام مهم‌ترین وظیفه قانونی خود یعنی ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها گفت: انتظار ما از استاندارد تهران این است که بر عملکرد دستگاه‌ها نظارت و آیین‌نامه ماده۱۴ را اجرایی کند. این اتفاق در سایر استان‌ها در حال انجام است اما همه‌اعتیاد در تهران باعث بروز مشکلاتی می‌شود در حالی‌که با کمی مداخله جدی می‌توانیم این بحران‌ها را حل کنیم. وی اذعان کرد: شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر تهران نتوانسته از ظرفیت قانونی برای سرخط‌کردن دستگاه‌ها استفاده کند اما علت دیگر موضع انفعالی دانشگاه‌های علوم‌پزشکی استان تهران است. دین‌پرست گفت: من از دانشگاه‌های علوم‌پزشکی ایران، تهران و شهیدبهشتی گلابندم هستم که چرا به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کنند اما زمانی‌که از آنها علت را جویا می‌شویم می‌گویند نامه‌نگاری‌های زیادی کرده‌اند. انتظار ما از استاندارد تهران این است که در دانشگاه‌ها این نیست بلکه باید طبق مفاد آیین‌نامه ابلاغی ستاد هرگونه اقدام خارج از چارچوب را به‌منزله مداخله غیرمجاز در امور پزشکی بدانند و نسبت به هر کسی که به این قانون تخلفی می‌کند اعلام جرم کنند. این آقایان به مراکز ماده۱۴ اصلا توجیه نمی‌شد. اتفاق افتاد، وی گفت: بخشی از مواردی را نیامدند و این اتفاق افتاد، وی گفت: بخشی از مواردی را

آبی هست برای دوش گرفتن و نه آبی برای خوردن. عین گوسفند ۲۰۰عنفر را می‌فرستند وسط و لوله سبز دست گرفته‌اند و کتک می‌زنند. یکسری ستون وسط سالن است که می‌گویند ستون سنگخو اگر صدایت در بیاید به ستون بسته می‌شوی و اگر درگیر شوی کتک بدی می‌خوری. اگر بگویی که به خانواده‌ام اطلاع بدهید، می‌گویند من زنگ می‌زنم اما باید به خانواده‌ات بگویی که یک شارژر ۱۰هزار تومانی بفرستند. اگر نفرستی دمارت را درمی‌آورند. درباره حسابی شهرستان هم به خانواده‌شان می‌گویند به این حساب پول بریزید و ما هوای بچه‌تان را داریم. وقتی طرح فیزیکی تمام شد و خماری را پس دادیم، وارد سالن اصلی شدیم. ۱۵ دوش حمام است با جمعیت ۲۰نفری و اتاق زن و بچه‌دار، پیروچوان فرقی نمی‌کند، همه لخت ما درازدار باید بروند زیر دوش. سه دقیقه مهلت حمام است اما خبری از صابون و شامپو و اینها هم نیست. به هیچ‌عنوان هم آب گرم نمی‌بینی. تابستان و زمستان آب سرد است. هفته‌ای یکبار سهمیه حمام داریم، آن هم همان سه دقیقه است. شیش غوغا می‌کنند از سروکول مردم بالا می‌رود. مریضی بیداد می‌کند و با هر عنوانی هم که مریض شوید دکتر می‌روید یک قرص سفیدرنگ می‌دهند. برایشان فرقی ندارد. معتادان خیلی راحت می‌میرند جلوی چشم همه. من دوباری که آنجا بودم شاهد مرگ پنج، شش نفر بودم.

۴ به چه خاطر؟

وقتی شما اعتیادداری بدنت ضعیف است و وضعیت غذایی هم که نزدیک صفر است. صبح یک تکه نان و لواش یک نخود پنبی می‌دهند. ظهر اینقدر برنج است (کف) دستش را نشان می‌دهد). خدا سراشده من کسی را آنجا دیدم که متوفا کرد خرد داخل سوپش که نه دلتش را بگیرد. شب هم اندازه ظرف بستنی کوچک سوپ جو می‌دهند و هر شب هم شام سوپ جو است. بدن معتاد ضعیف است و بیشتر گرسنگی عذاب می‌دهد و آب شیرین هم نیست. روزی یک ۲۰ لیتری آب شیرین می‌آورند و از امروز تا فردا آب نیست. وقتی آب شیرین نیست آب شور می‌خورند و خیلی معذرت می‌خواهم اسهال خونی می‌گیرند و بدن ضعیف است و کسی به داد اینها نمی‌رسد و جان می‌دهند.

۴ آنجا پزشک دارد؟

نه، دوتا اترن شیفتی هستند. وقتی مریض می‌شوید ۱۰ تا ۲۰نفر را با هم می‌برند. خداشاهه من به چشم خودم دیدم اترن شربت گلو را داخل نوشابه خانواده قاطی می‌کرد و می‌گفت هر کی برقص شربت می‌دهم بخورد. بچه‌ها را به رقص واداشت تا تفریح کند می‌گفت می‌رقصی یا نه؟ بعد بیمار می‌گفت من نمی‌توانم برقصم، مریض. اترن می‌گفت شربت نمی‌دهم، برو نفر بعد. وقتی هم اعتراض می‌کردیم، می‌گفتند اینجا اردوگاه ترک اجباری است. اما جای دیگر که راجع به «شفق» صحبت می‌شود، می‌گویند نگویید اردوگاه اجباری، نگویید کمپ شفق. پروژو آقای ران کتک زدند، گفت می‌آیم چرا به داد ما نمی‌رسی. مسوول آنجا آمد، و گفت ببین شفق خاندار. اصلاحاشان معروف است؛ می‌گفتند آسمان شفق خدا ندارد که شما خدا را صا می‌کنید. هیچ‌کس به داد ما نمی‌رسید من خودم دو دفعه رفتم و عین دو دفعه تا بیرون آمدم مصرف کردم چون برابم عقده و کینه شده بود زسرا! با اول خودم رفتم و زوری رفتم با آن بلالاهی که آنجا سر ما آوردند. از در که بیرون آمدم، بیرون کشیدم. بدترین کارها را از معتادان می‌کشیدند؛ از بنایی و نقاشی برای یک نخ سیگار. چون آنجا سهمیه هر نفر یک نخ سیگار بیشتر نیست. آنجا قاتلوش سهامه و یکروز است؛ پول سه ماه و یک روزش را می‌گیرند و بعد ما را زودتر آزاد می‌کردند. یک روز هم بازرس می‌آمده بود و به کیفیت غذا معترض بود. در جواب گفتند بوجه نداریم، بازرس گفت برای ۴۰۰نفر برای سه ماه و یکروز شهرداری ۹۰۰میلیون بوجه‌ده داده است. چطور این غذا را می‌دهید.

مسلم پیرمرد است، با چشم‌مانی روشن. شوخ است و پر حرارت حرف می‌زند. می‌گوید: در گرمخانه دستگیر شده است.

۴ می‌گویم درباره وضعیت شفق توضیح دهید؟

می‌گویند: «آنجا از لحاظ آمار و غذا افتضاح است. معتادان از زور گرسنگی زودبند می‌کرن، سیگار می‌دادند و وعده غذایی هم را می‌گرفتند. ظهر برنج می‌دهند که سیر نمی‌کند و واقعا باید گرسنگی کشید. هیچ‌گونه امکالتی ندارد. امکانات را نمی‌دام شهرداری باید بدهد یا جای دیگری. آنجا ظرفیتش ۶۰۰تا تخت است اما بالای هزارو ۸۰نفر آنجا ساکن بودیم. ششیش بیداد می‌کرد و حمام خوب نداشت. خود من را یک مدت بردند «شفق»، بعد برای طرح پیرمردها بردند کمرد که بهتر بود. پیرمردها را می‌بردند کمپ علی صابر که بعد از مدتی هم رها می‌کردند. در «شفق» احترام نمی‌گذارند مثلا خود من آمدم این طرف خط زرد و در حد مرگ کتک خوردم.

۴ خط زرد یعنی چه؟

فرض کن اینجا راهرو است، خط زرد می‌کشیدند و وسطش و ما حق نداشتیم آن طرفش را راه برویم اگر می‌رفتیم کتکمان می‌زدند.

۴ برای چی؟

برای چی نداد قاتلوش است.

۴ چند روز شفق بودی؟

دوره من ۲۸روزه بود که ۲۱روزش را شفق بودم و بعد من را برای طرح پیرمردها بردند کمپ علی صابر که فردایش به دستور سردار روزبهانی آزادم کردند.

۴ راجع به «شفق» بیشتر صحبت می‌کنی؟

«شفق» را در کل بگویم ببندی بهتر است.

۴ در مدتی که آنجا بودی شاهد مرگ کسی هم بودی؟ چرا یک‌نفر بود که سکنه کرد. یک پیرمردی هم بود که ماند زیرپا، یک‌دفعه در رازا می‌کردند- آقایان خیلی معذرت می‌خواهم- همه بروند دستشویی همه فرار می‌کردند و روی هم می‌افتادند، می‌بایسی هم نبود هیچ‌چی نبود که پیرمرد ماند زیر دست‌وپا.

خبر

با موافقت وزرای اطلاعات، کار و ارشاد

«انجمن صنفی روزنامه‌نگاران» به زودی بازگشایی می‌شود

• بدرالسادات مفیدی از «بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در آینده‌ای نزدیک» خبر داد. مفیدی، دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران این خبر را به وب‌سایت «پیام‌نو» اعلام کرد و افزود: «روز شنبه دیداری با علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی داشتم. طی این ملاقات و دیدلاری که پیش از آن با علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی داشتم این دو وزیر وعده دادند که انجمن به‌زودی کار خود را آغاز می‌کند و سید محمود علوی، وزیر اطلاعات هم موافق بازگشایی این انجمن است.» او درباره شیوه ادامه فعالیت انجمن توضیح داد: «با رافع مشکلات، باافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده از سوی انجمن برگزار می‌شود و طی آن اصلاح اساسنامه در مجمع مطرح و انتخابات هیات‌مدیره این دو وزیر خواهد شد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران یک شاکی رسمی دارد که وزارت اطلاعات است و با پس‌گیری شکایت، باافاصله در انجمن باز و فعالیت آن آغاز می‌شود. این انجمن مهر ماه ۱۳۷۶ تاسیس شد و دفتر اداری آن ۱۴ مرداد ۱۳۸۸ توسط داستانی تهران و با حکم سعید مرتضوی پلمب شد»

مدارس مقاطع ابتدایی پایتخت امروز تعطیل است

• **فارس:** مدارس مقاطع ابتدایی شهر تهران و تمامی مقاطع شهرستان ری به دلیل آلودگی هوا امروز چهارشنبه تعطیل است. در جلسه کارگروه کاهش آلودگی هوای شهر تهران مصوب شد که امروز مدارس مقاطع ابتدایی شهر تهران به دلیل آلودگی هوا تعطیل شدند. در این جلسه همچنین فروش آرم طرح ترافیک روزانه تا اطلاع ثانوی متوقف شد. بر اساس این گزارش، طرح زوج‌فرد نیز از در منزل اجرایی می‌شود.

تحصن کودکان شین‌آباد مقابل نهاد ریاست جمهوری

• **شرق:** کودکان شین‌آباد همراه با والدین خود روز گذشته در مقابل نهاد ریاست‌جمهوری تحصن کردند. این خانواده‌ها در سالن انتظار دفتر ریاست‌جمهوری چند ساعتی به پاس‌سخنوبی به وضعیت درمان کودکانشان نشستند. سه روزی است که ۱۲ کودک شین‌آبادی برای ادامه روند درمانی خود وارد تهران شده‌اند و هنوز اقدامی برای درمان آنها صورت نگرفته است. خانواده‌های این دانش آموزان می‌گویند عدم واریز پول از سوی وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت بهداشت به حساب بیمارستان محب و تیم پزشکی این دانش آموزان، باعث توقف درمان دانش آموزان شین‌آبادی و سرگردانی آنها در تهران شده است. به گفته آقای صالح پدر نادیه: «این تحصن تا زمانی که جواب مشخصی از مسوولان دریافت نکرده‌اند ادامه خواهد داشت و حتی شب را هم اینجا می‌مانیم و تا وقتی مسوولان جوابگوی مشکلاتمان نباشند دست از تحصن برنمی‌داریم.»

آموزش‌وپرورش ۲هزار میلیارد تومان بدهی دارد

• مقام‌مقام وزیر آموزش‌وپرورش در امور مدارس خارج از کشور گفت: آموزش‌وپرورش در حال حاضر بیش از دوهزارمیلیاردتومان بدهی دارد که اغلب این بدهی‌ها مربوط به پرداخت‌نشدن حق الزحمه‌و حق‌التدریس معلمان است. خلیل بابالو با بیان اینکه آموزش‌وپرورش به چه دلیل به این وضعیت گرفتار آمده‌است، ابراز کرد: همه باید به دید حمایتی به آموزش‌وپرورش نگاه کرده و کمک کنیم چراکه بدهی دوهزارمیلیاردتومانی برای آموزش‌وپرورش ما برآورده نیست که بخش عمده‌ای از این بدهی‌ها شامل حقوق پرسنل، حق‌التدریس و حق الزحمه‌های معلمان است.

تغییر مدیر عامل بهره‌بر داری مترو

• **فارس:**علی‌محمدقلی‌ها،مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه، مسوولیت خود را طی روزهای آینده واگذار می‌کند. محسن نابیسی، فرماندار سابق تهران مدیرعاملی شرکت بهره‌برداری تهران را برعهده خواهد گرفت.

انتقاد مولاوودی از محدودیت فعالیت زنان در دفاتر املاک

• **شرق:** معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، گفت: تازه داشت کلمان از شنیدن خبر انتصاب‌های اخیر شیرین می‌شد که خبر رسید فعالیت زنان در دفاتر مشاور املاک به‌عنوان مبایشر و مشاور ممنوع شده است. افکار به انتخاب خانم‌ها- از خیل خانم‌های شایسته و توانمند- در پوست خود نتجیم؛ تازه داشت کلمان از شنیدن خبر انتصاب‌های اخیر شیرین می‌شد که خبر رسید فعالیت زنان در دفاتر مشاور املاک به‌عنوان مبایشر و مشاور ممنوع شده است. افکار به انتخاب خانم‌ها- از خیل خانم‌های شایسته و توانمند- در پوست خود نتجیم؛ تازه داشت کلمان از شنیدن خبر انتصاب‌های اخیر شیرین می‌شد که خبر رسید فعالیت زنان در دفاتر مشاور املاک به‌عنوان مبایشر و مشاور ممنوع شده است. افکار به ما نیامده مدتی شیرین کام باشیم!

مسمومیت مردم ۳روستا بر اثر آ‌ب‌و‌ه‌و‌ای آلوده

• **ایسنا:**سرخنگی سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر از مسمومیت ۲۹نفر از مردم س‌ر‌و‌ستا بر اثر آلودگی آب‌وه‌وا خبر داد. حسین درخشان گفت: ۱۰نفر از روستایان سه روستای «حقی»، «احمدآباد» و «قصبه» در شهرستان مشکین‌شهر به این خاطر مسموم شدند.